از گله‌داری تا خویش داری

گزارشی ریشه‌شناختی و فلسفی در باب مفهوم آلمانی

Verhaltenheit

یوسف بشارتی

تابستان ۱۴۰۴

مقدمه

این گزارش به بررسی مفهومی در زبان آلمانی می‌پردازد که در نگاه نخست ساده به نظر می‌رسد، اما در ژرفای خود، تاریخی غنی از تحول اندیشه را پنهان کرده است: واژه *Verhaltenheit*. این اسم مؤنث، که معمولاً به «خویشتن‌داری»، «توداری» یا «وقار» ترجمه می‌شود، حالتی از خویشتن‌داری سنجیده و متانت را توصیف می‌کند. با این حال، محدود کردن معنای آن به این معادل‌ها، نادیده گرفتن سفری شگفت‌انگیز است که این واژه در طول هزاران سال پیموده است. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که مسیر تاریخی کامل این واژه - از یک اصطلاح عینی و شبانی برای مدیریت دام‌ها تا یک مفهوم انتزاعی و پیچیده برای راهبری وضعیت بشری - صرفاً یک کنجکاوی زبان‌شناختی نیست، بلکه روایتی عمیق از تکامل خودآگاهی در تفکر غربی است. این تحلیل نشان خواهد داد که حس کهن و فعال «پروراندن» یا «مراقبت کردن» در ریشه این واژه، هرچند تصعید شده، اما هرگز به طور کامل از بین نرفته و بنیانی استعاری و حیاتی برای معانی فلسفی مدرن آن فراهم آورده است.

این گزارش در چهار بخش اصلی سامان یافته است. بخش نخست به تشریح پروفایل معنایی معاصر *Verhaltenheit* می‌پردازد و با بررسی تعاریف فرهنگ‌لغتی و مقایسه آن با واژگان نزدیک، جایگاه مفهومی منحصربه‌فرد آن را مشخص می‌کند. بخش دوم، با نگاهی به گذشته نزدیک، به ریشه‌های واژه در فعل‌های آلمانی *halten* (نگه داشتن) و *verhalten* (رفتار کردن) می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه افزودن پیشوند و ضمیر انعکاسی، معنای آن را از «نگه داشتن» به «نحوه نگه داشتن خود» یا «سلوک» متحول کرده است. بخش سوم، با غوص در اعماق تاریخ زبان، ریشه‌های واژه را تا زبان نیا-ژرمنی و نیا-هندواروپایی دنبال می‌کند و معنای بنیادین و شبانی آن را به عنوان سنگ بنای کل این عمارت معنایی آشکار می‌سازد. در نهایت، بخش چهارم به اوج فلسفی این واژه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این اصطلاح غنی از نظر زبانی، به ابزاری دقیق در دست فیلسوفانی چون مارتین هایدگر و هلموت پلسنر برای تحلیل «وضعیت بشری» تبدیل شد. این گزارش با پیوند دادن این حوزه‌های متمایز، نشان می‌دهد که چگونه تاریخ یک واژه می‌تواند تاریخ تکامل یک ایده باشد.

بخش اول: پروفایل معنایی معاصر *Verhaltenheit*

برای درک عمق تاریخی و فلسفی واژه *Verhaltenheit*، ابتدا باید جایگاه دقیق آن در زبان آلمانی معاصر را مشخص کرد. این بخش با تحلیل فرهنگ‌لغتی، مقایسه با مترادف‌های نزدیک و بررسی معادل‌های آن در زبان‌های دیگر، چارچوب مفهومی این واژه را به عنوان نقطه شروعی برای کاوش‌های عمیق‌تر بنا می‌نهد.

۱.۱. کالبدشکافی فرهنگ‌لغتی

فرهنگ‌نامه‌های معتبر زبان آلمانی، به ویژه دودن (Duden)، به عنوان مرجع اصلی، تعاریف دقیقی از *Verhaltenheit* و اشکال مرتبط با آن ارائه می‌دهند که سنگ بنای تحلیل ما را تشکیل می‌دهد.

بر اساس این منابع، *Verhaltenheit* یک اسم مؤنث است که به معنای حالتی از خویشتن‌داری و احتیاط (Zustand der Zurückhaltung und Vorsicht) به کار می‌رود.1 یکی از ویژگی‌های دستوری مهم این واژه، نداشتن صورت جمع است.3 این ویژگی صرفاً یک نکته فنی نیست، بلکه دلالت معنایی عمیقی دارد. در زبان آلمانی، بسیاری از اسم‌های کیفی انتزاعی مانند

Freiheit (آزادی) یا *Schönheit* (زیبایی) فاقد جمع هستند، زیرا به یک کیفیت یا حالت کلی اشاره دارند و نه به موارد قابل شمارش. این نشان می‌دهد که *Verhaltenheit* به عنوان مجموعه‌ای از کنش‌های فردی خویشتن‌داری تصور نمی‌شود، بلکه یک حالت پیوسته، یک ویژگی بنیادین یا یک جو و اتمسفر است. این کیفیتی است که شخص *داراست* یا حالتی است که در آن *قرار دارد*، نه کاری که مکررا*انجام می دهد* . این ویژگی، آن را از مفاهیم نزدیک متمایز می‌کند و ماهیت ذاتی و تقریباً جوی آن را تقویت می‌بخشد، نکته‌ای که در تحلیل کاربرد فلسفی آن توسط پلسنر بسیار حیاتی خواهد بود.

برای درک کامل این اسم، باید به صفت مرتبط با آن، یعنی *verhalten*، توجه کرد. این صفت میدان معنایی گسترده‌تری را پوشش می‌دهد و به معانی «آرام»، «مؤدبانه»، «محتاطانه»، «باوقار» یا «خفه» (مانند صدا) به کار می‌رود.5 این صفت می‌تواند برای توصیف یک شخص ("ein scheues und verhaltenes Wesen" -موجودی خجالتی و تودار)، یک کنش ("eine verhaltene Fahrweise" -سبک رانندگی محتاطانه) یا یک کیفیت حسی ("verhaltene Farbtöne" -تُن‌های رنگی ملایم؛ "mit verhaltener Stimme" -با صدایی آرام و فروخورده) استفاده شود.5

در نهایت، باید *Verhaltenheit* را از اسم خنثی و بسیار رایج *Verhalten* متمایز کرد. *Verhalten* به معنای کلی «رفتار» یا «سلوک» است ("Art und Weise, wie sich ein Lebewesen, etwas verhält" - شیوه رفتار یک موجود زنده یا یک چیز).6 تمایز در اینجا کلیدی است:

Verhalten کنش قابل مشاهده است، در حالی که *Verhaltenheit* کیفیت یا حالت بنیادین خویشتن‌داری است که ممکن است آن کنش را شکل دهد یا ندهد. *Verhalten* به آنچه انجام می‌شود اشاره دارد، اما *Verhaltenheit* به «چگونگی» یا «روح» آن کنش (یا عدم کنش) می‌پردازد.

۱.۲. مطالعه‌ای تطبیقی: *Verhaltenheit* در برابر *Zurückhaltung*

برای تعیین دقیق‌تر مرزهای معنایی *Verhaltenheit*، مقایسه آن با نزدیک‌ترین مترادفش، *Zurückhaltung*، ضروری است. اگرچه این دو واژه اغلب به جای یکدیگر به کار می‌روند و منابعی مانند فرهنگ لغت LEO هر دو را به واژه فرانسوی *la retenue* (خویشتن‌داری) ترجمه می‌کنند 7 و وب‌سایت Woerter.net نیز

Verhaltenheit را مستقیماً به عنوان حالتی از *Zurückhaltung* و احتیاط تعریف می‌کند 2، اما تفاوت‌های ظریف و مهمی میان آن‌ها وجود دارد.

این تفاوت‌ها را می‌توان از طریق تحلیل ساختار واژگانی آن‌ها دریافت. *Zurückhaltung* از فعل *zurück-halten* به معنای «عقب نگه داشتن» یا «جلوگیری کردن» مشتق شده است. پیشوند *zurück*- (عقب) به وضوح بر یک کنش جهت‌دار، ارادی و اغلب واکنشی دلالت دارد. فرد آگاهانه «خود را عقب می‌کشد» از سخن گفتن یا عمل کردن. این یک تصمیم فعالانه در یک موقعیت خاص است.

در مقابل، *Verhaltenheit* که از فعل کلی‌تر *verhalten* مشتق شده، فاقد این حس صریح «عقب‌نشینی» است. همانطور که دیدیم، صفت *verhalten* (آرام، ملایم) بیشتر به کیفیتی اشاره دارد که صرفاً *حضور دارد* — یک انرژی سطح پایین، یک لحن فروخورده. این ویژگی می‌تواند بخشی از شخصیت یک فرد یا حتی ویژگی یک شیء بی‌جان (مانند رنگ) باشد که قادر به تصمیم‌گیری آگاهانه برای «عقب کشیدن خود» نیست.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که *Zurückhaltung* بیشتر به «کنش» خویشتن‌داری، اغلب در پاسخ به یک فشار اجتماعی یا محرک خارجی، اشاره دارد. در مقابل، *Verhaltenheit* بیشتر به «حالت» توداری و وقار اشاره دارد؛ یک شیوه بنیادین از بودن که کمتر به یک تصمیم خاص و بیشتر به مزاج ذاتی فرد یا جو یک موقعیت مرتبط است. این تمایز در تحلیل فلسفه پلسنر اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد داشت، زیرا از نظر او، *Verhaltenheit* یک ضرورت وجودی برای انسان است و نه یک انتخاب موقعیتی.

۱.۳. مفهوم در آینه ترجمه

بررسی معادل‌های *Verhaltenheit* در زبان‌های دیگر می‌تواند به ما در تعیین دقیق‌تر هسته معنایی آن کمک کند. این معادل‌ها، هرچند ناقص، بازتابی از درک فرهنگ‌های دیگر از این مفهوم را ارائه می‌دهند.

در زبان انگلیسی، فرهنگ لغت کالینز معادل اصلی را "restraint" (خویشتن‌داری) ذکر می‌کند.4 این واژه نیز بر ایده کنترل و محدود کردن دلالت دارد.

جالب‌تر از آن، معادل‌های فارسی هستند که توسط Woerter.net ارائه شده‌اند: «احتیاط» و «خویشتن‌داری».8 واژه «احتیاط» بر جنبه احتیاط‌آمیز و سنجیده این مفهوم تأکید دارد. اما واژه «خویشتن‌داری» به طرز شگفت‌انگیزی ساختار ریشه‌شناختی واژه آلمانی را بازتاب می‌دهد. «خویشتن‌داری» ترکیبی است از «خویشتن» (self) و «داری» (از مصدر «داشتن» به معنای to have/to hold). این ساختار به معنای واقعی کلمه «خود-نگه-داشتن» است.

این شباهت ساختاری تصادفی نیست. واژه آلمانی بر پایه فعل *halten* (نگه داشتن) ساخته شده و واژه فارسی بر پایه مصدر «داشتن/نگه داشتن». هر دو زبان، مفهوم انتزاعی کنترل نفس را با استعاره‌ای از کنش فیزیکی «نگه داشتن» که بر «خود» اعمال می‌شود، بنا کرده‌اند. این توازی بینازبانی نشان می‌دهد که پیوند مفهومی میان «نگه داشتن فیزیکی» و «کنترل نفس انتزاعی» یک ایده منحصراً ژرمنی نیست، بلکه یک استعاره شناختی بنیادی‌تر در میان انسان‌هاست. این مشاهده، این استدلال را تقویت می‌کند که سفر ریشه‌شناختی *halten* و مشتقات آن، مسیری طبیعی از گسترش معنایی از امر عینی به امر انتزاعی را دنبال می‌کند.

بخش دوم: تنه ریشه‌شناختی: فعل‌های *halten* و *verhalten*

پس از ترسیم چهره معاصر *Verhaltenheit*، اکنون به گذشته نزدیک آن می‌پردازیم تا نیاکان بی‌واسطه آن را شناسایی کنیم. این بخش، معنای بنیادین فعل ریشه، یعنی *halten*، را بررسی کرده و سپس تحلیل می‌کند که چگونه پیشوند -*ver* و ضمیر انعکاسی *sich* این ریشه را تغییر داده و مفاهیم «رفتار» و «سلوک» را خلق کرده‌اند.

۲.۱. بنیاد: چندمعنایی بودن *halten*

فعل *halten* یکی از پرکاربردترین و چندمعناترین فعل‌های زبان آلمانی است که میدان معنایی گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. این فعل از آلمانی بالای میانه *halten* و آلمانی بالای باستان *haltan* به ما رسیده است.9

معانی مدرن آن بسیار متنوع است: «نگه داشتن» چیزی در دست، «متوقف کردن» یک وسیله نقلیه، «دوام آوردن» یا «پابرجا ماندن» یک سازه، «وفا کردن» به یک قول، و «نظر داشتن» یا «فکر کردن» درباره چیزی (*halten von*).12 به نظر می‌رسد ایده محوری در بسیاری از این معانی، «جلوگیری از حرکت» است 14،

خواه حرکت یک لیوان به سمت زمین باشد، خواه حرکت یک خودرو به جلو، یا حرکت یک سازه به سمت فروپاشی.

مسیر تحول معنایی *halten* از یک کنش فیزیکی به یک کنش شناختی (مانند "to hold an opinion" یا *halten von*)، یک الگوی مستقیم برای تحول *Verhaltenheit* از یک کنش فیزیکی (پروراندن) به یک حالت روانی (خویشتن‌داری) فراهم می‌کند. این مسیر به شرح زیر است:

1. معنای پایه کاملاً فیزیکی است: *Ich halte das Buch* (من کتاب را نگه می‌دارم).12
2. این معنا به صورت استعاری به توقف حرکت گسترش می‌یابد: *Der Bus hält* (اتوبوس توقف می‌کند).12
3. سپس به مفاهیم انتزاعی‌تری چون حفظ و پایداری تعمیم می‌یابد: *Die Brücke hält* (پل دوام می‌آورد/پابرجاست).12
4. در نهایت، وارد قلمرو کاملاً شناختی می‌شود: *Was hältst du von ihm*? (درباره او چه فکری می‌کنی؟/نظرت راجع به او چیست؟).12

این مسیر تثبیت‌شده گسترش معنایی (فیزیکی ← انتزاعی ← شناختی) در خود فعل ریشه *halten*، به مثابه یک جهان کوچک، الگویی برای سفر بزرگ‌تر *Verhaltenheit* است. این نشان می‌دهد که زبان آلمانی از پیش سازوکار لازم برای تبدیل «نگه داشتن» به یک مفهوم ذهنی یا حالتی را در خود داشته است.

۲.۲. چرخش انعکاسی: تحول *sich verhalten*

گام حیاتی بعدی در این مسیر، افزودن پیشوند *ver-* و ضمیر انعکاسی *sich* به فعل *halten* است. این ترکیب، معنای جدید و محوری «رفتار کردن» را به وجود آورد. فعل *verhalten* از آلمانی بالای باستان *firhaltan* یا *farhaltan* مشتق شده که به معنای «عقب نگه داشتن، مهار کردن، بازداشتن» بوده است.15 این واژه ترکیبی از پیشوند *ver-* و فعل *halten* است.

شکل انعکاسی مدرن این فعل، یعنی *sich verhalten*، به معنای «رفتار کردن»، «عمل کردن» یا «سلوک کردن» است.17 این فعل نه تنها برای انسان‌ها و حیوانات، بلکه برای سیستم‌های بی‌جان نیز به کار می‌رود: "Die App verhält sich wie ein kleines Kind" (این اپلیکیشن مانند یک کودک کوچک رفتار می‌کند).17

نکته جالب در اینجا یک شکاف معنایی است. پیشوند *ver-* در *firhaltan* در ابتدا معنای «نگه داشتن» را به «عقب نگه داشتن/سرکوب کردن» تشدید می‌کرد. این کارکرد تشدیدی یا تکمیلی برای پیشوند *ver-* رایج است. با این حال، در فعل انعکاسی مدرن *sich verhalten*، این حس سرکوب یا ممانعت تا حد زیادی از بین رفته و

به مفهوم خنثی «سلوک» یا «نحوه نگه داشتن خود» تبدیل شده است. عبارت "Ich verhalte mich ruhig" (من آرام رفتار می‌کنم) توصیفی خنثی از یک کنش است.

اما صفت غیرانعکاسی *verhalten* (آرام، ملایم) و اسم *Verhaltenheit* (خویشتن‌داری) این مسیر خنثی‌سازی را طی نکردند. آن‌ها معنای اصلی و شدیدتر «در خود نگه داشته شده» یا «مهار شده» را ثبت و حفظ کردند. این پدیده یک انشعاب معنایی جذاب را ایجاد می‌کند: فعل به یک اصطلاح کلی برای کنش تبدیل شد، در حالی که اسم و صفت مشتق از آن به اصطلاحاتی تخصصی برای یک «کیفیت» خاص از آن کنش (یا عدم کنش) بدل گشتند. از این منظر، *Verhaltenheit* یک فسیل زبان‌شناختی است که معنای قدیمی‌تری از فعل را حفظ کرده که رایج‌ترین کاربرد مدرن فعل (*sich verhalten*)- از آن فراتر رفته است. این موضوع توضیح می‌دهد که چرا *Verhaltenheit* حسی عمیق‌تر و کمتر روزمره نسبت به *Verhalten* (رفتار) دارد.

جدول زیر این تحول پیچیده را به صورت خلاصه نمایش می‌دهد.

جدول ۱: تحول ساختاری و معنایی *halten* و مشتقات آن

دوره / مرحله زبانی	صورت فعل	معنای فعل	مشتقات کلیدی و معانی آن‌ها
نیا-ژرمنی	*haldaną	پرواندن، مراقبت کردن، گله‌داری کردن	-
آلمانی بالای باستان	*haltan*	نگه داشتن، محافظت کردن، بازداشتن	*firhaltan*: عقب نگه داشتن، مهار کردن
آلمانی بالای میانه	*halten*	نگه داشتن، متوقف کردن	-
آلمانی مدرن	*halten*	نگه داشتن، متوقف کردن، حفظ کردن، نظر داشتن	*sich verhalten*: رفتار کردن، سلوک کردن *Verhalten*: رفتار *verhalten* (صفت): آرام، ملایم، خویشتن‌دار *Verhaltenheit*: خویشتن‌داری، توداری، وقار

بخش سوم: ریشه‌های عمیق: خاستگاه‌های نیا-ژرمنی و نیا-هندواروپایی

این بخش به عمیق‌ترین لایه‌های تاریخ واژه نفوذ می‌کند و با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی تاریخی، خاستگاه‌های بازسازی‌شده آن را بررسی می‌کند. کشف کلیدی در اینجا—معنای شبانی ریشه—پاشنه آشیل و سنگ بنای کل فرضیه این گزارش را تشکیل می‌دهد.

۳.۱. کانون شبانی: ریشه نیا-ژرمنی *haldaną

شواهد قاطع نشان می‌دهند که معنای اولیه ریشه ژرمنی این واژه، نه صرفاً «نگه داشتن»، بلکه معنایی بسیار خاص‌تر و ملموس‌تر بوده است. فعل آلمانی *halten* به فعل قوی نیا-ژرمنی *haldaną بازمی‌گردد.10

نکته حیاتی این است که چندین منبع ریشه‌شناختی معتبر، از جمله آثار کلاسیک فریدریش کلوگه و منابع آنلاین مدرن، متفق‌القول‌اند که معنای اصلی این ریشه، «پروراندن»، «مراقبت کردن» یا «چراندن دام» بوده است.9 به طور خاص، فعل گوتی

haldan، که یکی از قدیمی‌ترین خویشاوندان این واژه است، مستقیماً به معنای «چراندن دام» به کار رفته است.9 این معنا به صورت «با مراقبت دقیق، در کنار هم نگه داشتن» توصیف شده که سپس به معانی گسترده‌تری چون «پروراندن یک گله، حکومت بر یک قبیله، فرمانروایی کردن» تعمیم یافته است.9

این کشف، درک ما را از کل تاریخچه معنایی واژه دگرگون می‌کند. معنای اصلی *haldaną، یک نگه داشتن منفعلانه و ایستا نبوده، بلکه یک **کنش فعال، پویا و مراقبت‌آمیز** بوده است. این ریشه شبانی، یک استعاره قدرتمند و وحدت‌بخش برای کل تاریخ معنایی *Verhaltenheit* فراهم می‌کند. عمل گله‌داری ایستا نیست؛ این عمل مستلزم هوشیاری مداوم، هدایت ملایم، محافظت از تهدیدها و حفظ انسجام گروه است. این فرآیندی از مدیریت کنترل‌شده است. این حس فعال «پروراندن» یا «محافظت کردن» را می‌توان به عنوان کهن‌الگوی عینی و فیزیکی برای تمام معانی انتزاعی بعدی در نظر گرفت. «وفا کردن به یک قول» به معنای محافظت از آن است. «رفتار کردن» (*sich verhalten*) به معنای مدیریت یا پروراندن خویشتن است. و *Verhaltenheit*، در معنای فلسفی‌اش، همان حالت خود-مدیریتی یا خود-نگهبانی دقیقی است که وضعیت بشری ایجاب می‌کند. این بصیرت، ریشه‌شناسی را از فهرستی ساده از تغییرات معنایی به یک روایت منسجم تبدیل می‌کند. مفهوم «پروراندن» ساختار عمیقی است که در زیربنای تمام تجلیات بعدی این واژه قرار دارد. چوپانی که گله‌اش را می‌پروراند، به استعاره نهایی برای «خویشتن» که «هستی» خود را می‌پروراند، تبدیل می‌شود.

گستردگی و قدمت این ریشه در خانواده زبان‌های ژرمنی را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول ۲: خویشاوندان ریشه نیا-ژرمنی *haldaną در خانواده زبان‌های ژرمنی

شاخه زبانی	زبان	صورت خویشاوند	زبان	صورت خویشاوند	زبان	صورت خویشاوند
ژرمنی غربی	انگلیسی باستان	*healdan*	انگلیسی	*hold*	ساکسونی باستان	*haldan*
	هلندی	*houden*	آلمانی بالای باستان	*haltan*	آلمانی	*halten*
ژرمنی شمالی	نروژی باستان	*halda*	سوئدی	*hålla*	دانمارکی	*holde*
ژرمنی شرقی	گوتی	*haldan*	(توضیح: به معنای «چراندن دام»)			

۳.۲. معمای نیا-هندواروپایی

سفر به گذشته‌های دورتر و تلاش برای یافتن ریشه نهایی این واژه در زبان نیا-هندواروپایی (PIE)، ما را با عدم قطعیت مواجه می‌کند. این عدم قطعیت، خود یک یافته مهم است.

منابع ریشه‌شناختی در مورد خاستگاه PIE این واژه اتفاق نظر ندارند.[20] کلوگه اشاره می‌کند که ریشه‌ای آریایی مانند

kalt با معنای مشابه یافت نشده است.[9] چندین نظریه مطرح شده است:

- یک نظریه آن را به ریشه *kel- به معنای «پنهان کردن» یا «راندن» مرتبط می‌داند.[20]
- نظریه دیگر آن را به *dher- به معنای «محکم نگه داشتن، حمایت کردن» پیوند می‌دهد.[25]
- ریشه‌های دیگری مانند *gʰebʰ- (گرفتن، برداشتن) و *kap- (قاپیدن، گرفتن) نیز به عنوان احتمالات مطرح شده‌اند، اما با مشکلات معنایی یا آوایی روبرو هستند.[26]

این عدم قطعیت در مورد ریشه نهایی PIE یک شکست تحلیلی نیست، بلکه خود یک یافته مهم است. این امر نشان می‌دهد که میدان معنایی خاص *haldaną—یعنی ترکیب منحصربه‌فرد «نگه داشتن» و «پروراندن»—احتمالاً یک **نوآوری خاص ژرمنی** بوده است. ریشه‌های احتمالی PIE (*kel-، *dher-، *kap-) همگی به کنش‌های ساده و قدرتی اشاره دارند: «پنهان کردن»، «محکم نگه داشتن»، «قاپیدن». آن‌ها فاقد ظرافت معنایی «پروراندن» یا «مراقبت کردن» هستند. معنای گوتی «چراندن دام» بسیار خاص و از نظر فرهنگی ریشه‌دار به نظر می‌رسد.

بنابراین، این احتمال قوی وجود دارد که مردمان ژرمنی‌زبان، در بستر فرهنگی خاص دامداری خود، تمرکز معنایی جدیدی برای یک ریشه قدیمی‌تر و عمومی‌تر PIE ایجاد کرده باشند. آن‌ها ممکن است ریشه‌ای به معنای «نگه داشتن» یا «راندن» را گرفته و آن را برای اشاره به «گله‌داری» تخصصی کرده باشند. این بدان معناست که معنای شبانی، که سنگ بنای فرضیه این گزارش است، نه تنها قدیمی‌ترین معنای قابل بازسازی است، بلکه در واقع یک نوآوری معنایی کلیدی است که شاخه ژرمنی این خانواده واژگانی را تعریف می‌کند. این امر اهمیت معنای شبانی را دوچندان می‌کند، زیرا نشان‌دهنده یک تحول مفهومی منحصربه‌فرد و مرتبط با فرهنگ قبایل اولیه ژرمن است.

بخش چهارم: اوج فلسفی: *Verhaltenheit* به مثابه شرط هستی

در این بخش نهایی، تحلیل می‌کنیم که چگونه این واژه غنی از نظر زبانی، توسط فیلسوفان قرن بیستم به ابزاری دقیق برای تحلیل فلسفی بدل شد. این بخش، کل روایت ریشه‌شناختی را به انتزاعی‌ترین و عمیق‌ترین کاربردهای آن پیوند می‌زند.

۴.۱. سلوک وجودی هایدگر

مارتین هایدگر در اثر دوران‌ساز خود، *هستی و زمان*، از فعل *sich verhalten* برای توصیف شیوه بنیادین بودنِ دازاین (Dasein) استفاده می‌کند. در چارچوب فکری او، این فعل صرفاً به معنای «رفتار» (behavior) نیست، بلکه به معنای «سلوک» (comportment). یا «نسبت‌گیری با جهان» است.16 هایدگر می‌نویسد: «آن نوع از هستی که دازاین می‌تواند به نحوی با آن سلوک کند، و همواره به نحوی سلوک می‌کند، ما آن را

اگزیستانس [وجود] می‌نامیم.».16 برای هایدگر، «خویشتن‌بودگی» (*Selbstheit*). همین شیوه از وجود داشتن است؛ راهی برای گشودن موقعیت‌ها و بر عهده گرفتن مسئولیت کیستی و چیستی خود.28

انتخاب فعل *sich verhalten* توسط هایدگر کاملاً آگاهانه است. او با به کار بردن فعلی که ریشه در «نگه داشتن» (*halten*) دارد، به طور ضمنی وجود دازاین را به مثابه یک «حالت نگه داشتن»، یک «موضع‌گیری» یا یک «ایستادن» در نسبت با «هستی» (Sein) چارچوب‌بندی می‌کند. این یک سری از کنش‌های گسسته نیست، بلکه شیوه‌ای پیوسته از «نگه داشتن خویشتن» در جهان است. این انتخاب، بر «چگونگی» وجود بر «چیستی» آن تأکید می‌کند. فعل *sich verhalten* به کمال، حالت «بودن-در-جهان» دازاین را به تصویر می‌کشد: یک «نگه داشتن» پیوسته و رابطه‌مند از خویشتن در یک درگیری گشوده با آنچه هست. حتی معنای کهن شبانی «پروراندن» یا «مراقبت کردن» نیز در اینجا طنین‌انداز است، زیرا دازاین آن موجودی است که هستی خودش برایش یک مسئله است و باید به آن «رسیدگی کند» یا آن را «بپروراند».

۴.۲. انسان‌شناسی خویشتن‌داری پلسنر

فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی، هلموت پلسنر، یکی از چهره‌های کلیدی در «انسان‌شناسی فلسفی» است.29 او مفهوم *Verhaltenheit* را به یکی از ارکان اصلی نظام فکری خود تبدیل کرد. مفهوم محوری فلسفه او «موقعیت‌مندی برون‌مرکز» (*exzentrische Positionalität*) است.32 این اصطلاح، وضعیت منحصربه‌فرد انسان را توصیف می‌کند: ما یک «بدن» (*Körper*) هستیم که در جهان فیزیکی قرار دارد، اما همزمان یک «تن» (*Leib*) «داریم» که آن را تجربه می‌کنیم. به عبارت دیگر، ما همزمان در مرکز تجربیات خود قرار داریم و می‌توانیم از خود فاصله گرفته و به خود به عنوان یک ابژه بنگریم.

این دوگانگی، یک «شکاف» یا «گسست» بنیادین در وجود ما ایجاد می‌کند. انسان، به تعبیر پلسنر، «به طور طبیعی مصنوعی» (*natürlich künstlich*) و «بی‌بنیاد» (*unergründlich*) است.32 در اینجا،

Verhaltenheit (خویشتن‌داری) به عنوان یک پیامد ضروری این وضعیت پدیدار می‌شود.34 این خویشتن‌داری، شیوه‌ای است که انسان‌ها این شکاف درونی را مدیریت می‌کنند. این یک نوع مهار نفس است که زندگی اجتماعی و تاریخی را ممکن می‌سازد.

از نظر پلسنر، *Verhaltenheit* یک فضیلت اخلاقی یا یک انتخاب روان‌شناختی نیست، بلکه یک **ضرورت ساختاری برای وجود انسان** است. این همان ثابت انسان‌شناختی است که شکاف ناشی از موقعیت‌مندی برون‌مرکز ما را پُر می‌کند. برخلاف حیوان که با مرکز خود یکی است، انسان یک مرکز است و یک مرکز *دارد*. این وضعیت، یک بی‌ثباتی ذاتی ایجاد می‌کند. انسان چگونه از هم نمی‌پاشد؟ پاسخ پلسنر در مفاهیمی چون *Verhaltenheit* نهفته است. برای راهبری جهان، انسان باید شیوه‌ای از بودن را اتخاذ کند که ذاتاً میانجی‌گرانه و مهارشده است. ما نمی‌توانیم با «بی‌واسطگی» یک حیوان عمل کنیم. کنش‌های ما همواره از فیلتر آگاهی ما از موقعیت خودمان عبور می‌کنند. این میانجی‌گری ضروری، همان *Verhaltenheit* است. این

یک توداری و وقار بنیادین است، یک «عقب نگه داشتن» درونی که نه یک محدودیت منفی، بلکه همان شرطی است که فرهنگ، زبان و جامعه را ممکن می‌سازد. این همان «پروراندن» شکاف درونی وجود ماست. این تحلیل، مفهوم انتزاعی پلسنر را مستقیماً به حس فعال و مدیریتی ریشه شبانی *haldaną پیوند می‌زند.

۴.۳. سنتز: قوس معنایی از چراگاه تا فلسفه

در این نقطه، تمام رشته‌های این گزارش به هم بافته می‌شوند. سفر واژه *Verhaltenheit* نمونه‌ای کامل از «تصعید مفهومی» است. کنش عینی و فیزیکی چوپانی که با دقت گله خود را مراقبت، هدایت و محافظت می‌کند (*haldaną)، ساختار استعاری عمیقی را برای مفهوم انتزاعی و فلسفی انسانی فراهم می‌کند که با دقت، «خویشتن» گسسته خود را مدیریت، هدایت و مهار می‌کند (*Verhaltenheit*).

در این قوس معنایی، «مراقبت دقیق» چوپان به «خودآگاهی» فرد برون‌مرکز پلسنر تبدیل می‌شود. «در کنار هم نگه داشتن» گله به کنش «حفظ یکپارچگی شخصی» در مواجهه با ناهماهنگی وجودی بدل می‌گردد. و «محافظت» از تهدیدهای خارجی به آن «خویشتن‌داری» تبدیل می‌شود که برای کارکردن در یک جهان اجتماعی پیچیده ضروری است.

این سنتز نشان می‌دهد که برای درک کامل منظور پلسنر از *Verhaltenheit*، باید به نوعی هزاران سال تاریخ زبان‌شناختی رسوب‌کرده در این واژه را درک کرد—تاریخی که با خرد عملی یک گله‌دار آغاز می‌شود و با وضعیت وجودی انسان مدرن به اوج خود می‌رسد.

نتیجه‌گیری

این گزارش، مسیر تحول شگفت‌انگیز واژه آلمانی *Verhaltenheit* را از خاستگاه‌های شبانی آن تا کاربردهای پیچیده فلسفی‌اش دنبال کرد. تحلیل نشان داد که این واژه صرفاً یک برچسب برای مفهومی از پیش موجود نیست، بلکه خود یک دست‌ساخته باستان‌شناختی است که تاریخ تفکر یک فرهنگ را در ساختار خود حمل می‌کند.

سفر Verhaltenheit از سه مرحله کلیدی عبور کرد:
۱. خاستگاه شبانی: در ریشه نیا-ژرمنی *haldaną، این واژه به معنای کنش فعال و مراقبت‌آمیز «پروراندن» و «محافظت از گله» بود. این معنای ملموس، استعاره بنیادین «مدیریت دقیق» را پایه‌گذاری کرد.
۲. تحول معنایی: در طول تاریخ زبان آلمانی، با افزودن پیشوند ver- و ضمیر انعکاسی sich، این مفهوم به حوزه انسانی منتقل شد. در حالی که sich verhalten به معنای خنثی «رفتار کردن» تکامل یافت،

Verhaltenheit معنای اصلی و شدیدتر «مهارشدگی» و «خویشتن‌داری» را به عنوان یک کیفیت ذاتی حفظ کرد.

۳. اوج فلسفی: در نهایت، فیلسوفانی چون هایدگر و به ویژه پلسنر، این واژه را به ابزاری دقیق برای توصیف وضعیت بشری تبدیل کردند. Verhaltenheit از نظر پلسنر، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت ساختاری است که از «موقعیت‌مندی برون‌مرکز» انسان نشأت می‌گیرد و شرط امکان فرهنگ و جامعه است.

در نهایت، این گزارش نشان می‌دهد که چگونه یک مفهوم از چراگاه به سمینار فلسفه راه یافته و در این مسیر، درکی عمیق و در حال تکامل از معنای انسان بودن را در خود فشرده کرده است: بودن به مثابه موجودی که باید به طور مداوم هستی خود را نگه دارد، مدیریت کند و بپروراند.

Works cited

1. Verhaltenheit Rechtschreibung, Bedeutung, Definition, Herkunft - Duden, accessed August 10, 2025, https://www.duden.de/rechtschreibung/Verhaltenheit
2. Meaning “Verhaltenheit” (restraint, caution) - description, explanation, grammar | Netzverb Dictionary, accessed August 10, 2025, https://www.woerter.net/nouns/meanings/Verhaltenheit.htm
3. Deklination des Substantivs Verhaltenheit ➭ Alle Fälle - Duden, accessed August 10, 2025, https://www.duden.de/deklination/substantive/Verhaltenheit
4. English Translation of “VERHALTENHEIT” | Collins German-English Dictionary, accessed August 10, 2025, https://www.collinsdictionary.com/dictionary/german-english/verhaltenheit
5. verhalten Rechtschreibung, Bedeutung, Definition, Herkunft - Duden, accessed August 10, 2025, https://www.duden.de/rechtschreibung/verhalten_dezent_zurueckhaltend
6. Verhalten Rechtschreibung, Bedeutung, Definition, Herkunft - Duden, accessed August 10, 2025, https://www.duden.de/rechtschreibung/Verhalten
7. Dictionnaire - leo.org - Verhaltenheit - LEO : traduire en, accessed August 10, 2025, https://dict.leo.org/allemand-fran%C3%A7ais/Verhaltenheit
8. Meaning “Verhaltenheit” (restraint, caution) - description, accessed August 10, 2025, https://www.woerter.net/sustantivos/significados/Verhaltenheit.htm
9. An Etymological Dictionary of the German Language/halten - Wikisource, accessed August 10, 2025, https://en.wikisource.org/wiki/An_Etymological_Dictionary_of_the_German_Language/halten
10. halten - Wiktionary, the free dictionary, accessed August 10, 2025, https://en.wiktionary.org/wiki/halten
11. Halten - Wiktionary, the free dictionary, accessed August 10, 2025, https://en.wiktionary.org/wiki/Halten
12. "halten" in English - Dictionary - Your Daily German, accessed August 10, 2025, https://yourdailygerman.com/meaning/halten/
13. Imperative German "halten" - All forms of verb, rules, examples | Netzverb Dictionary, accessed August 10, 2025, https://www.verbformen.com/conjugation/imperativ/halten.htm
14. The meaning of German "halt" - The Particle Explained - YourDailyGerman, accessed August 10, 2025, https://yourdailygerman.com/halt-halten-meaning/
15. verhalten Rechtschreibung, Bedeutung, Definition, Herkunft - Duden, accessed August 10, 2025, https://www.duden.de/rechtschreibung/verhalten_handeln_sein_reagieren
16. verhalten - Wiktionary, the free dictionary, accessed August 10, 2025, https://en.wiktionary.org/wiki/verhalten
17. "verhalten" in English - Your Daily German Dictionary, accessed August 10, 2025, https://yourdailygerman.com/meaning/verhalten-sichacc/

18."Verhalten" in English - Your Daily German Dictionary, accessed August 10, 2025, https://yourdailygerman.com/meaning/verhalten/
19.The meaning and use of "sich verhalten" (and "Verhältnis") - Your Daily German, accessed August 10, 2025, https://yourdailygerman.com/meaning-verhalten-verhaltnis/
20.Reconstruction:Proto-Germanic/haldaną - Wiktionary, the free ..., accessed August 10, 2025, https://en.wiktionary.org/wiki/Reconstruction:Proto-Germanic/haldan%C4%85
21.halte | Rabbitique - The Multilingual Etymology Dictionary, accessed August 10, 2025, https://www.rabbitique.com/profile/id/halte
22.An Etymological Dictionary of the German Language/Annotated/halten - Wikisource, the free online library, accessed August 10, 2025, https://en.wikisource.org/wiki/An_Etymological_Dictionary_of_the_German_Language/Annotated/halten
23.Halt - Etymology, Origin & Meaning, accessed August 10, 2025, https://www.etymonline.com/word/halt
24.hold - Wiktionary, the free dictionary, accessed August 10, 2025, https://en.wiktionary.org/wiki/hold
25.*dher- - Etymology and Meaning of the Root, accessed August 10, 2025, https://www.etymonline.com/word/*dher-
26.Cognate Set 228 - IE-CoR, accessed August 10, 2025, https://iecor.clld.org/cognatesets/228
27.*kap- - Etymology and Meaning of the Root, accessed August 10, 2025, https://www.etymonline.com/word/*kap-
28.S - The Cambridge Heidegger Lexicon, accessed August 10, 2025, https://www.cambridge.org/core/books/cambridge-heidegger-lexicon/s/1D1194872816593685AC8463B31F17E7
29.Helmuth Plessner - Wikipedia, accessed August 10, 2025, https://en.wikipedia.org/wiki/Helmuth_Plessner
30.Helmuth Plessner | German philosopher, sociologist, anthropologist - Britannica, accessed August 10, 2025, https://www.britannica.com/biography/Helmuth-Plessner
31.Plessner's philosophical anthropology : perspectives and prospects | Library of Congress, accessed August 10, 2025, https://www.loc.gov/item/2020716445/
32.Review: Plessner, 'Political Anthropology' and 'Levels of Organic Life and the Human' & Fischer, 'Exzentrische Postionalität' - Theory, Culture & Society, accessed August 10, 2025, https://www.theoryculturesociety.org/blog/review-plessner-political-anthropology-levels-of-organic-life-and-the-human-fischer-exzentrische-postionalitaet
33.Exzentrische Positionalität - Wikipedia, accessed August 10, 2025, https://de.wikipedia.org/wiki/Exzentrische_Positionalit%C3%A4t
34.Heidegger's Metaphysical Abyss - dokumen.pub, accessed August 10, 2025, https://dokumen.pub/download/heideggers-metaphysical-abyss-between-the-human-and-the-animal-oxford-philosophical-monographs-9780198865407-0198865406.html

35. Homo absconditus: Helmuth Plessners Philosophische Anthropologie im Vergleich 9783110666373, 9783110661422 - DOKUMEN.PUB, accessed August 10, 2025, https://dokumen.pub/homo-absconditus-helmuth-plessners-philosophische-anthropologie-im-vergleich-9783110666373-9783110661422.html
36. SCHAM UND EXZENTRISCHE POSITIONALITÄT - Publikationssystem der Universität Tübingen, accessed August 10, 2025, https://publikationen.uni-tuebingen.de/xmlui/bitstream/handle/10900/47280/pdf/Anja_Lietzmann_-_MA.pdf?sequence=1
37. Untitled - OAPEN Library, accessed August 10, 2025, https://library.oapen.org/bitstream/20.500.12657/102350/1/9783110740813.pdf